

## تربیت آراد شغلی

آنان شنیده نشده در ردیف پیرمردان قرار میگیرند . بنابراین طبقه پیرمردان از اشخاصی ترکیب یافته که تمام درجات نیکوئی را گذرانده اند . چنین است تشکیلات حکومتی که به قیده پارس آنانرا وسیله گامیابی و باصلاح مفاسد خود می شمارند .

شرح گزنفون راجع بتربیت شغلی از آنچه گفته شد تجاوز نمی کند و معلوم است شرح او تنها راجع بملت پارس در آغاز دوره امپراطوری و مربوط بتربیت کارکنان دولتی است .

معلوم است که با توسعه امور شاهنشاهی شغلها نیز توسعه یافته و ملل گوناگون تابعه که تمدن آنها غالباً قدیمتر از تمدن ایرانیها بود هنرها و صنایع گوناگون داشتند که از طرف ایرانیها بهرور ایام اقتباس گردید . کیفیت پیشه ها و هنرها و صنایع کشور شاهنشاهی ناحدیکه از مدارک موجود برآید در صفحات آینده شرح داده میشود .

## بند نهم تربیت سپاهی

۱- تربیت سپاهی  
در ضمن تربیت شغلی ایران هخامنشی بیکمان تربیت لشکریان باید توجهی خاص داشت، چه پشتیبانی واقعی امپراطوری عظیم هخامنشی بر عهده جوانان جنگاور پارس بود که در پیوستن آن همت گماشته بودند. از طرفی دیگر امپراطوری هخامنشی احتیاج داشت باینکه کشور-های گوناگون و پهناور خود را با سپاهیان کار آمد و کار آگاه اداره کنند و این تنها با تربیت نوجوانان برای وارد شدن در شغل سپاهی میسر بود.

۲- نظام وظیفه  
نظام وظیفه در ایران هخامنشی معمول بود بدین نحو که تمام مردان سر زمین از ۱۵ تا ۵۰ سالگی موظف بودند که هر گاه شیپور جنگ در شهر صدا داد برای عملیات ارتشی آماده شوند. پس لازم بود که اینان را قبلا برای تربیت نظامی آماده ساخته باشند. اتفاقاً از آنچه ما در ضمن مواد تعلیم و تربیت ۳- تربیت نظامی  
حردسالان

کودکان و جوانان نقل کرده ایم مطالب بسیاری در باب تربیت ورزشی و لشکری است و قسمت اعظم تربیت جنگی همان بود که در ضمن تربیت بدنی و ایجاد خواص مطلوب روحی بخرد سالان و نوجوانان میآموختند. خوی دادن آنها به تحمل سختیها و مشقات از دیده پیش بینی برای پیش آمدهای جنگی بوده است برای روحیه قوی و جرأت و پر دلی و خوی جنگی و دیسپلین شدید

۱- هرودوت ۳ : ۹۷ . بگمان رالبنس ( ۲ : ۱ : ۳ ) شمار مشمولین به ۵۰۰,۰۰۰ تن بالغ مبنده است . خدمت نظامی ملل نابه علاوه بر این بوده است .

اساطحة حمله هخامنشی



و عادت به بی کم و کاستی و هدفجوئی و نشانه زنی و چالاکی از جمله خصائلی بود که با دقت و مراقبت آموزگاران کار آزموده در جوانان خلیده میشد .

جوان پارسی در حال کشتن یک گراز،  
استرانه هخامنشی (لیارد)

تسلط در بی کم و کاست کار بردن

اساطحه گوناگون جنگی نشان رسیدن پایه مردی و سپاهی شناخته شده بود<sup>۱</sup> و انجام خدمات و مأموریتها و زبر دستها وسیله پیشرفت پایه های بلندتر میگرددید<sup>۲</sup>. سلاح عمده ایرانیها<sup>۳</sup> نیزه و شمشیر و تیر و کمان و سلاح دیگری که برای حمله بکار میرفته تیر جنگی بوده است<sup>۴</sup>.

۴- اساطحة حمله هخامنشیان

۱- هرودوت ۱ : ۱۳۶ .

۲- هرودوت ۳ : ۱۵۴ .

۳- اسامی بعضی از آلات حرب که در منابع اوستائی و سنگنوشته های هخامنشی برآید :

سپر	Spara	سپرا	رره	Zaradha	رردها
گرز	Vdahra, vazra	ودهر او زرا	کردن یوس	Kuiri	کوئری
چکش	Cakasa	چاکسا	صوب یوس	Paiti-dana	پائتی دانا
تیغ با شمشیر	Taiga	تایگا	خود	Saravara	ساروارا
فلاخ	Fradaksna	فردا کشنا	کمر بند	Camara	کمر
زه کمان	Snavare	سناوارة	ران پوش	Rana-pana	راما پانا
کمان	Tanvan-tanvare	تانون تانوره	خود زرین	Zaranyo-xaodhe	زرایو خاودا
			خود آهنین	Ayo-xaodha	آیو خاودا

۴- ستیخ اسسخ بمعنی تگ نیز یا سر اسب (شاهانه) هم آورد یشت و سنن ستیخ بزد تند و بر کبد هفتاد میخ) و بر را از چوب بی میساخته اند و آنرا آهن زبان یا ابواغرا ayo-agra و زرین زبان یا برنجی زبان زرینورعرا [Zaranyo-zolra] میگفته اند . در فارسی جدید بیکان «سحوانیم» در دو ظرف ته نیر بر کر کس میزدند و در اوستائی حر کس پارنا (Xarkaso-parena) گویند و در شاهنامه بر عقاب دگر شده و محتمل است هر دو بکار میرسد . آرشتی (aršti) نیزه بوده . داربوش بزرگ در نقش رستم گوید «پارسیا مریا دوازی آرشتی برا گمتا» یعنی نیزه مرد پارسی (تا) دور رسیده . دری غار شتی - نیزه دواز . کری تا Krita کار دیا دشنه .

نیزه آنها  
سره‌های گوماگون دارای سر

تیزی بسان برگ بوده و نیزه‌شاهی یا پاسبانان جاویدان شاهی دارای قبه‌ای بوده باین معنی که انار یا سیب طلا یا نقره در انتهای آن بغیر از تیغه بوده است.<sup>۱</sup> نیزه درازمهمی نیز داشته اند آنچنان که داریوش<sup>۲</sup> برضد مقدونیان بکار برد<sup>۳</sup>. نیزه کوتاهی نیز داشته‌اند که از چوب آلبالو ساخته شده بود و این نیزه پیاده بوده<sup>۴</sup> طول آن از شش تا هفت پا بوده است.



زوبین اسلحه خاص

ایرانیان باستان

زوس

سره داران شاهی، از قشای های مرخسته تخت جمشید  
از «ایران قدیم» (هلند و گت)

بوده و آنرا هم در شکار و هم در میدان جنگ بطور مؤثری بکار میبردند و برای این اسلحه نیز ایرانیان مشهور گردیدند همچنانکه در استعمال سرو کمان زبردست بودند.

۱- هرودوت ۷: ۴۱.

۲- داریوش بزرگ در نقش رستم، در یکی از سنگنوشته‌ها گوید: سزده مرد یارسی (مسافتهای دور) از میهن (رفته و خواهی داست که مرد یارسی دور بادشمن یارسیان جنگ نموده.

۳- دیودورس Diodoro ۴۷ ۵۳۰ ۱۰۰.

۴- Cornel

۵- هرودوت ۷: ۲۱۱ و گزنفون در کوروس نامه ۷: ۱۰۱.

۶- رجوع شود بآدم‌دانش دریای صفحه ۲۱۴.



لوحه طلائی منقش هخامنشی از خزانه ساجون و کشف شده  
در ۱۸۷۷ میلادی، در موزه بریتانی (دالمن)

ژوین نیزه کوچکی  
بود باندازه يك متر  
که از شاخ نخل ساخته  
میشده و آنرا بسوی  
هدف پرتاب میکردند  
ژوین را هم پیاده وهم  
سواره بکار میبردند  
و از خصوصیات استعمال  
آن این بوده که بایک

ضربت دشمن را از پادر مآوردند. بعضی از سوارگان آنرا تا مسافت ششصد  
متر به نشانه میزدند. همیشه هر سوار دو ژوین همراه داشت ۲. از زمان  
اردشیر بعد ژوین و شمشیر و دشنه اسلحه عمده سوارگان  
بوده و همینکه یکی را بشانه پرتاب میکرد با دنگری از  
نزدیک با دشمن میجنگیدند ۳.



شمشیر ساهی، از نقاشیهای  
رحسنة استخر (کورپرتو)

شمشیر نیز اسلحه حماه ایرانیها  
بوده و ظاهراً نزد آنها یا مادها  
اکیناس ۴ نامیده میشده ۵ و بر طبق تصاویر برجسته  
نخت جمشید کوتاه و راست و سر نیز بوده است ۶ این  
اسلحه بیشتر برای حمله و فرود بردن مناسب بوده و برای  
بریدن ۷. جلد آن چوبی بوده و روی آن با فلز با چرم

۱ - هرودوت ۷ : ۶۱.

۲ - هرودوت ۹ : ۴۹ و گزنون کوروشنامه ۱ : ۲، ۹ و انابسس ۱ : ۸، ۳.

۳ - گزنون کوروشنامه ۱ : ۲، ۹. - Akinaces. - ۴

۵ - هرودوت ۷ : ۵۴.

۶ - بر طبق تصاویر تخت جمشید دارای آن پنجسانتیمتر است. - ۷ - رالینمن ۳ : ۱۷۳.

پوشانیده شده بود<sup>۱</sup>. غلاف شمشیر شهزادگان و سرداران غالباً از طلا و با تصاویر برجسته مجالس جنگی و شکار نگارین بوده است. غلاف شمشیر از بالا با تسمه‌ای چرمی بکمربند طرف راست و از میان باتسمه دیگر بر آن آویخته میشده<sup>۲</sup> و این ظاهر آرای آن بوده که شمشیر در جای معین مانده و در هنگام ضرورت دسرس باشد.



در زمرة اولین اسلحه

بر و کمان

حملة ایرانی تیر و کمان

بوده است و در تمام دوره های تاریخ ایران

باستان ایرانیها در بکار بردن فاطح تیر و کمان

زبردستی داشته اند<sup>۳</sup>. ظاهراً کمان را شاه

چپ میآویخته اند و بازو را از درون آن بیرون

میآورده اند در میان و دو انتهای کمان انحنا

بوده است. تیرها از نی بوده که سر آنها خدنگ

سربره و خدنگ ایرانی (موریر)

۱- کورنتس کورسوس در تاریخ اسکندر ۳ : ۳ ، بر طبق تصاویر تحت حمشند سر همسطور است.

۲- هرودوت ۷ : ۶۱ . ۳ - شوه سرد پادگان کمانی تیر و کمان گفته در دوسی :

تفرید مساند عران پاسک

گزیں کرد يك چوه بر خدنگ

بهاده بر او خار بر عقاب

چچرم گورد اندر آورد سست

حروش از حم چرخ چاچی بحاست

ر چرم گوزان بر آمد حروس

گذر کرد از مهره پشت اوی

سپهر آزمان دست او داد بوس

فلک گفت احسن ملك گفت ره

کمان را مالد رسم چنگ

پس آنکه پید کمر رد چنگ

خدنگی بر آورد پکان جو آب

به المد حاجی کمان را بسب

ستون کرد چپ را وحم کرد راست

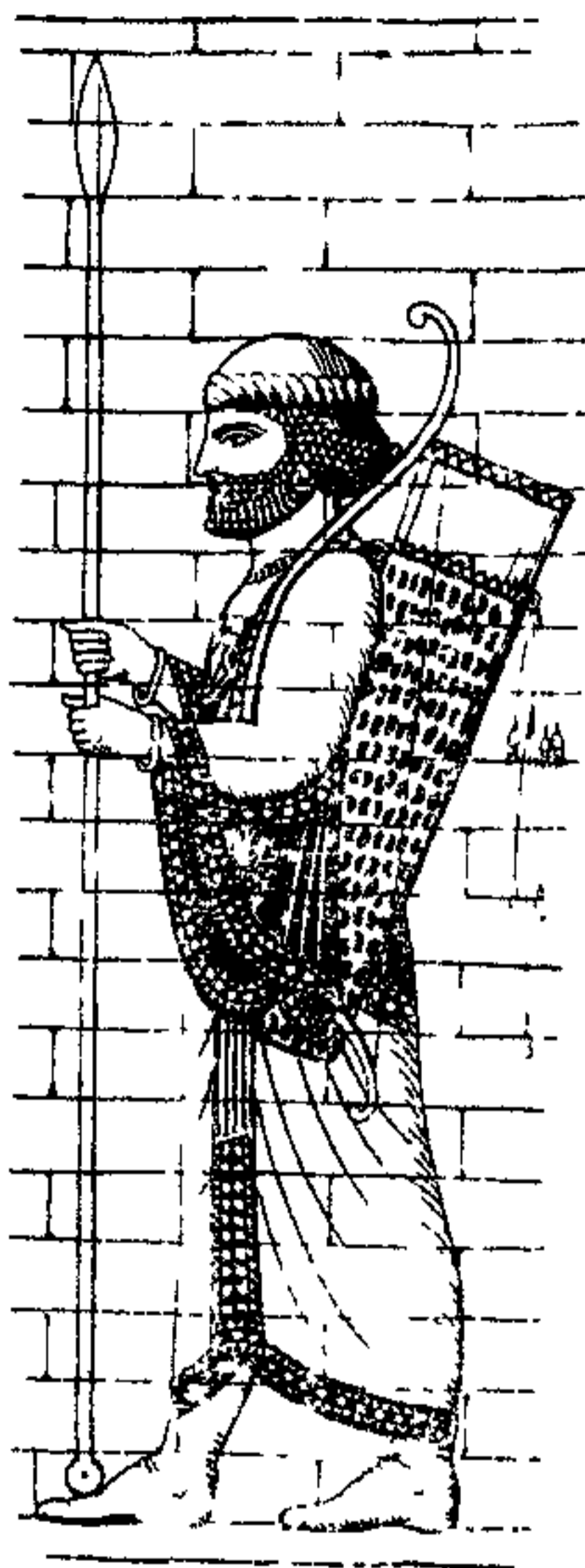
جو سوهارس آمد به بهنای گوس

جو پکان سوسبد انگشت اوی

جو رد بر بر سینة اشکوس

عصا گفت کمر و قدر گفت ده

## کمان پیادگان



فلزی نصب میشده و درته آنها پر بوده است .

ترکیبو ساخت خدنگها یکسان نبوده است .<sup>۱</sup>

کمانهای پیاده بزرگتر

کمان پیادگان

از کمانهای سواره بوده

و در موقع تیر زدن روی يك زانو می نشینند<sup>۲</sup>

و گزهون هم ذکر نموده که کمانهای ایرانیان

بلند بوده است .<sup>۳</sup> تا حدیکه از تصاویر برآید

کمان و نیردان شاه با کمان و تیردان دیگران

نفاوتی نداشته است .

در موقع سواری تیراندازان

کمان سوارگان

سواره برای تیر و کمان

خود کماندان مخصوص داشته اند که هم کمان

و هم تیرها در آن جا میگرفته است . این کمان

سواره از حیث وزن ظاهراً سبکتر بوده و

ساکاها که قبایل آریائی بوده و محل اصلی

آنها در جنوب روسیه و اراضی مشرف دریای

خزر میبوده در ساختن این نوع کمان مهارت

داشته اند . پادشاهمادی موسوم به سبارکیسیس

جوان مادی را نزد ساکاها میفرستاد تا در

نیر اندازی مهارت پیدا نمایند و در هر صورت

مادها و پارسها با اسلحه ساکاها آشنائی داشته اند .

یکی از تیراندازان جاویدان ، فریرگاسی

امدادشوش ، اکنون در موزه لوور (دبولا فرا)

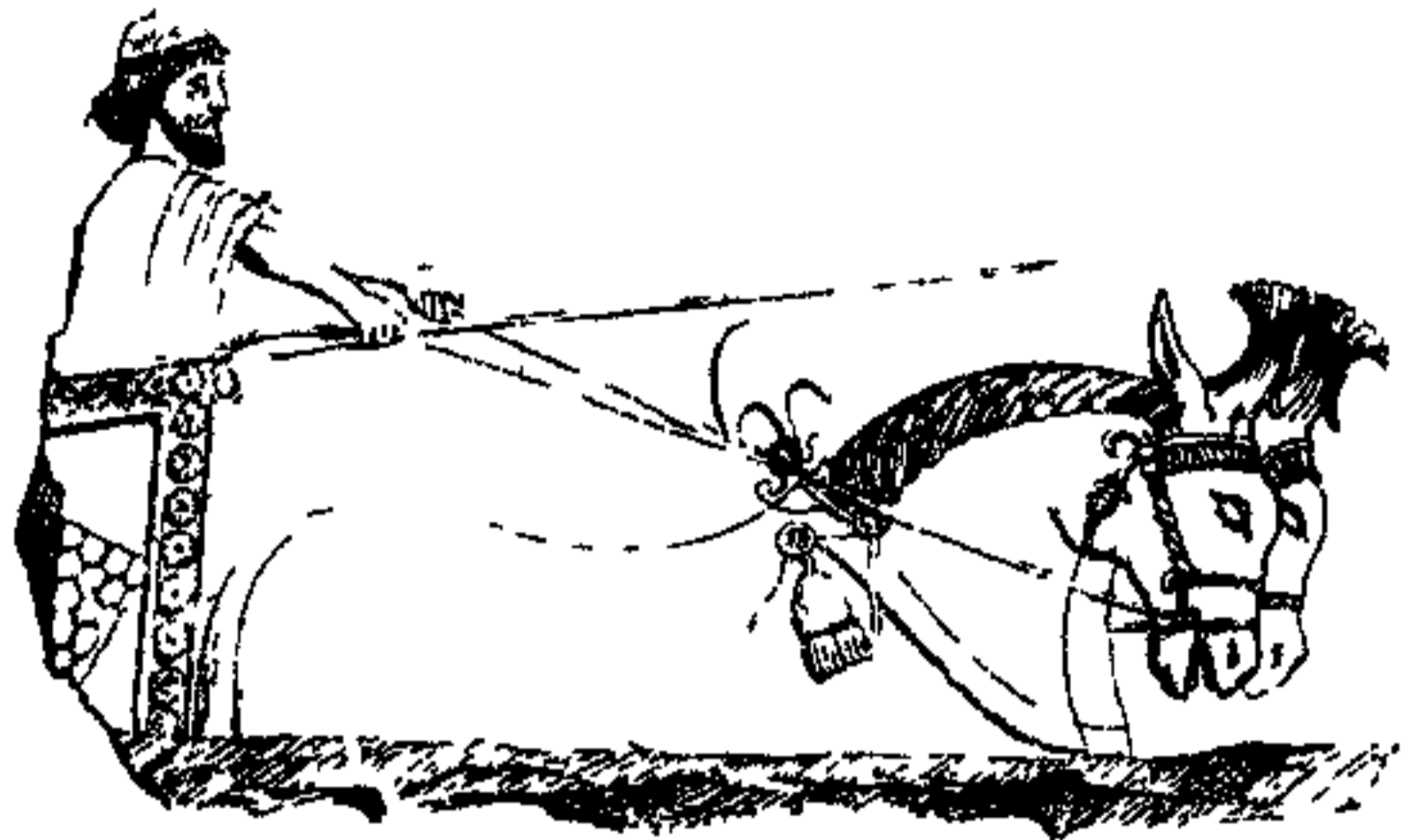
۱- رالیس ۳ : ۱۷۵ یادداشت ۶ ، توضیح و تصویر نمونه های حدیگهائی که Morier

در سفر دوم خود تا ایران در استخر یافته بوده است . رجوع شود به تصویر صفحه پیش .

۲- دیودوروس ۱۷ : ۱۱۵ .

۳- گزهون انابسیس ۳ : ۱۷ ، ۴ .

گر دونه جنگی  
 اراده یا  
 گرده را  
 ایرانیان هم  
 در جنگ و هم در زمان  
 صلح بکار میبرده اند  
 و در مواقع شکار  
 مخصوص بکار میبرفته  
 است. هر اراده یکنفر  
 راننده داشته که زمام



پاره ای از گردونه دواسه از تخت جمشید (موریر)

اسبها را در دست می گرفته و دیگری که در اراده ایستاده بوده با تیر و کمان و یا  
 ژوبین بدشمن حمله مینموده است. شاه غالباً از اینسگاه خود در گردونه جنگی  
 بافسران ارتش فرمان میداد است. راننده گردونه جنگی اسلحه دفاعی تمام داشته  
 و بدن او بطوری پوشیده بوده که تنها چشمان او باز بوده است. گردونه  
 آلت دهشتناکی در میدان جنگ بوده و غالباً شماره زیادی از آنها بکار میرفته است.

در جنگ حمله کاهگامی داسهای بزرگ و برانی از دو طرف  
 چرخهای گردونه می پیوستند و اراده ها را سان تانکهای  
 امروز در میان خطوط دشمن رانده آنها را درو مینمودند و

گردونه های  
 داسدار

با نوسینه زیان بسیار بر دشمن وارد می آمد. و چون دراز آنها را بدنه ای بچنان پهنی  
 میدادند که بر گردانیدن آنها بدست دشمن بسیار دشوار بوده. اصل این نوع اسلحه

- ۱ - هرودوت ۷ : ۴۰ و گرهون اناسس ۱ : ۲ و ۱۶۰ : ۱ و ۳۰۸ : ۳۰
- ۲ - گزنفون کوروشنامه ۶ : ۱ : ۲۹۰
- ۳ - هرودوت ۷ : ۸۶ ایضا رالینس ۳ : ۱۳۹ یادداشت ۱۰
- ۴ - گزنفون کوروشنامه ۶ : ۱ : ۳۰ و ۲ : ۷ و ۸ : ۷ و ۱ : ۷ و ۳۱ : ۴۷ و ۸ : ۲۴ و اناسس  
 ۱ : ۱۰۸
- ۵ - گزنفون کوروشنامه ۶ : ۱ : ۲۹۰



## بهر کردن گردونه‌های جنگی



شاهنشاه در حال شکار شتر : استوانه داریوش (لیارد)

که برای حمله بکار میرفته معلوم نیست  
اختراع ایرانیها یا آشوریها بوده  
و محتمل است اراده‌های داسدار که  
در زمان داریوش بزرگ بکار میرفته  
تکامل ازاده‌های آشور بوده است.  
تمایز ازاده‌هایی که در پایان دوره  
آشور بکار میرفته ظرفیت زیاد آنها  
بوده که گنجایش چهارتن جنگی را

داشته است. بلندی چرخها پلندی قامت انسان بوده و این فقره بر سرعت آنها  
میافزوده است ۱. برای راندن گردونه‌ها از دو تا چهار اسب بکار میبرده‌اند ۲.  
در پشت گردونه در بچه‌ای بوده که پس از درون آمدن راننده گردونه و جنگیان  
می‌بسته‌اند ۳.

دیواره‌های گردونه نیز طوری بلند بوده که سواران محفوظ  
بوده‌اند. گرداگرد چرخ، یخهای مدور بفاصله‌های مناسب  
می‌کوبیده‌اند. گردونه‌های ایرانی در ترتیب و آرایش و

بهر کردن  
گردونه‌های  
جنگی

یراق ساده‌تر از ارابه‌های آشوری بوده و بواسطه طرح کردن قسمتهایی زائد  
روی زمینهای ناصاف هموارتر حرکت مینموده است. ایرانیها همواره برای  
افزایش سرعت میکوشیده‌اند و تا اواخر دوره هخامنشیان ارابه‌های جنگی که  
ظرفیت بیشتر از دو سوار داشته با چهار اسب رانده میشده است.

۱ - رالینسن ۳: ۱۸۰.

۲ - رالینسن ۳: ۱۸۱ یادداشت ۹: ۱۰۰.

۳ - گزنفون کوروشنامه ۶: ۱۰۴.

تبر جنگی بنا بر خبر سترابون  
و گزنفون نیز یکی از اسلحه های  
حمله پیادگان بوده . هرودوت از آن ذکرى در ضمن  
سلاح پارسها نکرده است ولی در تحت اسم ساگاریس  
آنها یکی از اسلحه های ساکاها شمرده است .<sup>۱</sup>



پیاده ایرانی مانتر و کمان و  
شمشیر و تبر جنگی (کررتور)

کارد یا  
دشنه  
کارد یادشده اسلحه دیگر بوده و آنها  
در جلد<sup>۲</sup> چرمی نگاهداشته و ظاهراً  
بکمر بند میآویخته اند و آن کمی منحنی بوده .<sup>۳</sup>

از جمله اسلحه های پیادگان سبک اسلحه فلاخن بوده است .<sup>۴</sup>

فلاخن

و چندین تن از نویسندگان قدیم نیز در این موضوع یک رأی  
بوده اند گزنفون در هنگام بازگشت با سواران خود از ایران تائیر بکار بردن  
موثر این اسلحه را از طرف فلاخن داران ایرانی مشاهده نموده است .<sup>۵</sup> که سنک  
پارسی میپرانیده اند

پیاده ها معمولاً خود ریس نداشتند ، بلکه کلاه معمولی قومی  
را که عادتاً چون با شافی بود حتی در هنگام کارزار نیز  
بر سر داشتند .<sup>۶</sup> جوشن و نیم ته ای نیز بر تن داشنه اند که

اسلحه دفاعی  
جوش

۱ - هرودوت ۷ : ۶۴ . طاهرا تاکنون بر جنگی با Sagari ساگاریس در قور ساکاها  
یافت نشده است .

۲ - گزنفون انابسس ۱ : ۷۸ . بر طبق شرح کورتیوس (تاریخ اسکندر ۳ : ۱۴) واحدی شبیه  
به قبه بوده است .

۳ - گزنفون کوروشنامه ۱ : ۹۰۲ .

۴ - Quintus Curtius, *History of Alexander*, 4.17 & Strabon 15.3, 18.

۵ - Xen. *Anabese* 3:3 & 1.16.

۶ - هرودوت ۷ : ۶۱ و سترابون ۱۵ : ۳ . برای سوره کلاه قومی ایرانیها رجوع شود تصویرهای  
صفحات ۱۹۸-۲۰۷-۲۳۱-۲۳۳ .

بر روی آن برگه‌های آهنین بسان فلس‌های ماهی می پیوسته‌اند.<sup>۱</sup> برگه‌های فلس نما بعضی اوقات چدنی یا پولادی یا حتی از طلا بوده است به نسبت پایه پوشنده آن ۲. بعضی اوقات نیم‌ته‌ای با لائی ضخیمی از پنبه بوده بسبب نیم‌ته جنگی مصریها<sup>۳</sup> و دور نیست که اینرا پس از تسخیر مصر از آنها اقتباس کرده بودند. ظاهراً جوسن چرمی هم در میان بعضی از قبیله‌های ایرانی معمول بوده است.

اسلحه دفاع سواره در آغاز دوره هخامنشی با اسلحه دفاع پیاده چندان فرقی نداشته<sup>۴</sup>. با این اختلاف که سوارگان

گاهگاهی خود فلزی بر سر می‌گذاشته‌اند، بر تن نیز زرهی داشته و رانهای آنها نیز با ران پوش محفوظ بوده است.

رسم دیگری که بعد از دوره اول پارسی معمول گردیده بر گستوان بود پوشاندن اسبها با پوشش متناسبی برای مصون داشتن

آنها از تیرهای دشمن بوده<sup>۵</sup> و این نوع پوشش اسب را بر گستوان گویند. چون اسلحه دفاع سوار سنگین اسلحه برای اسب گران بوده و از سرعت حرکت میکاسته است اسبهای بزرگ و زورمند نیسائی را برای کار زار بیشتر می‌پسندیده‌اند<sup>۶</sup>. بر گستوان بسان رسم آشوریها از چرم نبوده بلکه از برگه‌های فلزی فلس نما بسان جوشن سپاهیان بوده است<sup>۷</sup>. بواسطه سنگینی بار اسب هم از سرعت

۱ - هرودوت ۷ : ۶۱ .

۲ - هرودوت ۱ : ۶۱ .

۳ - هرودوت ۱ : ۱۳۵ .

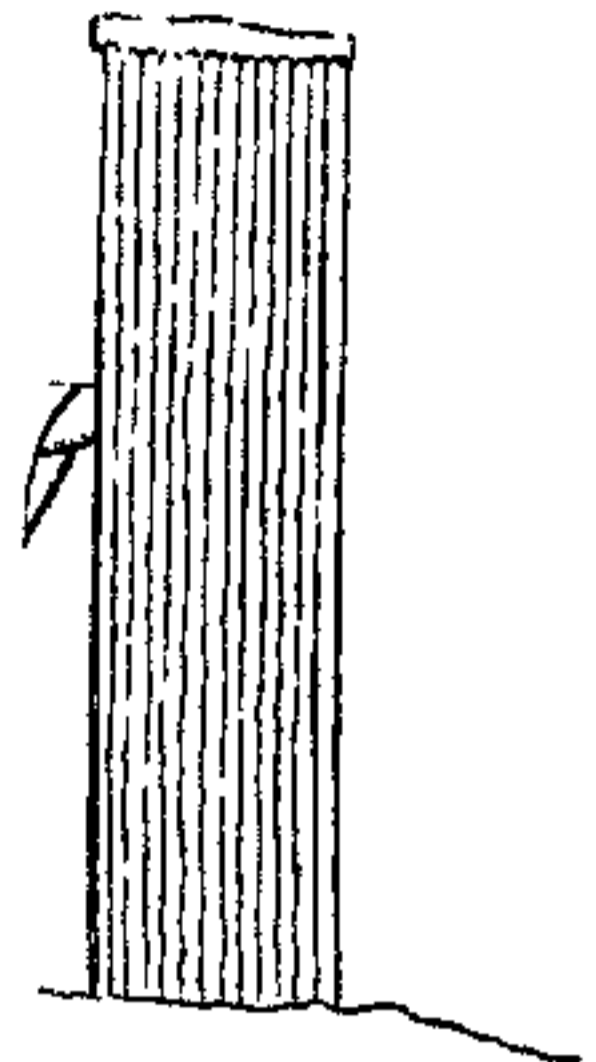
۴ - هرودوت ۷ : ۸۴ .

۵ - گزنفون کوروشنامه ۷ : ۲۱ و انابسیس ۱ : ۸ و کورنوس ۳ : ۱۱ ص ۴۳ .

۶ - هرودوت ۶ : ۴۰ و سترابون ۱۱ : ۷۱۳ .

۷ - Rawlinson, Ancient Monarchies, I, p. 427 & III, p. 178.

حرکات او کاسته می شده<sup>۱</sup> و هم در هنگام ضرورت پس نشستن و گریز اسبهای لاغر و کم قوت یارای مقاومت نداشته اند<sup>۲</sup>.



سواران  
سبک اسلحه  
ایرانیها در تمام دوره های تاریخی  
خود و خاصه در دوره ای که

مورد بررسی ماست سواران سبک اسلحه و باد پا را هیچگاه از دست نداده بودند بلکه قسمت عمده نیروی سوار آنها سواران سبک اسلحه بوده است.

نبرنگ  
در تعلیم و تربیت جوانان

سیر بزرگ از چوب سد، ارتصا و بر  
حک و گریز  
بورزشهای جنگی سواران

سبک اسلحه بیشتر متوجه پروراندن عادات چستی

و چالاکی در روی اسب و تسلط در بکار بردن اسلحه در حالت سواری بوده اند. چون حرکات سواران سبک اسلحه گوناگون بوده همیشه آماده تیراندازی مؤثر در هنگام حمله روبرو از دور و در حالت گریز بوده اند.

اسلحه دیگر دفاع پیاده ایرانی در مقابل سلاح دشمن

سپری  
سپری بشکل مربع مستطیل بوده<sup>۳</sup> و از ترکیب های پید

بافته میشده<sup>۴</sup> و تقریباً به بلندی آدم بوده و سپاهی را از سر تا پا حفظ میکرده

است و بیشتر نویسندگان معاصر آنرا شرح داده اند<sup>۵</sup>. محتمل است که این سپر را

۱- Quintus Curtius 311.

۲- Arrian, *Exp. Alex.*, 2:11.

۳- Gerrhum.

۴- هرودوت ۷:۶۱ و ۹:۶۱ و گزنون کوروشنامه ۸:۸ و ۲۳:۸ و آناکسیس ۱:۸ و سترابون ۱۵:۱۰۳:۱۹.

۵- بعضی از قراولان شاهی در تخت جمشید دارای این نوع سپر و برخی دارای سپر بیضی هستند تصویر



پیادگان ایرانی

ارنقاشی‌های برجسته تخت جمشید (کریتر) راست می‌جنگیده‌اند و از اینقرار استعمال آن برای پیادگان آسانتر بوده است. سپر دیگری که در نقوش تخت جمشید دیده می‌شود سپر بیضی است<sup>۴</sup> و محتمل است که این سپر سوارگان بوده است.

نیروی زمینی هخامنشی‌ها به سه قسمت تقسیم می‌شده: گردونه‌های جنگی، سوارگان و پیادگان. گردونه‌های جنگی را معمولاً در پیشاپیش ارتش نگاه می‌داشتند<sup>۵</sup>. در پشت گردونه‌های جنگی هم سوار و هم پیاده می‌گذارده‌اند. غالباً نیروی سوار رادر دو جناح گرد می‌آوردند<sup>۶</sup> و پیاده را در میان قرار می‌داده‌اند. صف آرائی آنها در میدان کارزار بشکل چندین مربع مستطیل بوده. در آغاز جنگ گردونه‌ها بسوی دشمن هجوم می‌آوردند و این بمنظور پدید آوردن آشفتگی در صفوف مقدم دشمن بوده<sup>۷</sup> در دنباله

۵ - نیرنگ  
کارزار

۱ - Rawlinson, I: 432, 442

۲ - هرودوت ۹: ۶۱۱.

۳ - گزنون کوروشنامه ۱: ۲ و ۱۳، ۱: ۹، ۱: ۱۶.

۴ - رجوع شود بتصاویر بالا و صفحه بعد.

۵ - گزنون انابسیس ۱: ۸ و کورنبوس ۴: ۱۵.

۶ - گزنون انابسیس ۱: ۸.

۷ - بکار بردن گردونه‌ها خالی از خطر نبوده زیرا که بعضی اوقات دشمن اسبها را هدف تبر قرار می‌داده و رانندگان آن در مخاطره می‌افتاده‌اند.



یاسانان شاهی

از ساویر رحسته تخم حمشید (فلاس و کس)

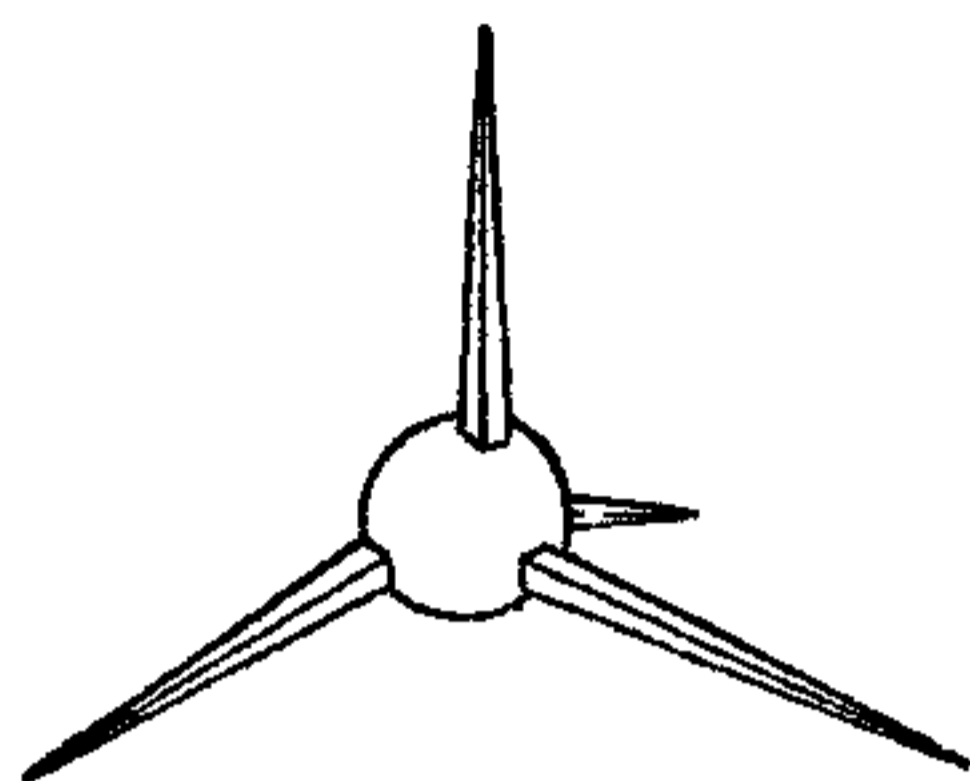
آن تیراندازان سبک اسلحه تیرهای فلزی خود را بر دشمن می بارانیدند و قلاخن اندازان از پس نیروی خود بسوی دشمن چون نگرگ سنگیرانی مینمودند. هدف عمده نیروی سوار حمله و محاصره دو جناح دشمن بوده. در مقابل حمله متقابل دشمن ایرانیها بوسیله پی در پی آوردن دسته‌های تازه نفس بر دشمن فشار می‌آوردند.<sup>۱</sup>

۶- سوارگان سنگین اسلحه سوارگان سنگین اسلحه در اوایل با تیر و کمان مسلح بوده‌اند<sup>۲</sup> ولی در زمانهای دیرتر سلاح عمده آنها ثوبین

۱- هرودوت ۷: ۲۱۰-۲۱۸ و گزنفون آناسیس ۱: ۸۰، ۲۳.

۲- هرودوت ۷: ۸۳.

## بشرف فنون جنگی



تریپولس یا یوپ منخدار (کلوس)

بوده<sup>۱</sup> و در بسی از میدانهای معروف مهارت شایانی در بکار بردن آن بروز داده‌اند<sup>۲</sup>. زیانیکه این اسلحه بدشمن وارد میساخته گران بوده و سلاح دشمن در مقابل زوین و دشنه ایرانی تقریباً بی اثر بوده است<sup>۳</sup>.

سواران سبک اسلحه بیشتر حال چریک را داشته و برای جنگ گریز

و اغفال دشمن معروف بوده‌اند<sup>۴</sup>. بیگباره ابرآسا بدشمن سایه افکنده او را بحراس و

دهشت میانداختند و طوری آنها را تربیت کرده بودند که در حال گریز بدشمن تیر میبارانیدند و در نشانه زدن از عقب هم بجدی مهارت داشتند که تیرشان بخطا میرفت<sup>۵</sup>.

مهارت فوق‌العاده پارتها در جنگهای سواره که صفوف رومیان را بلرزه میانداخت از بساکن ایرانیشان بآنها ارث رسیده

بود<sup>۶</sup>. ایرانیها در جنگهای خود نیرنگهای نوین نیز گاه بگاه بکار میبردند در جنگ اریل داریوش امر داد تا زمینی را که گمان میکرد مسیر حمله اسکندر خواهد بود از توپهای چوبی میخدار پوشانیدند<sup>۷</sup>. در موارد دیگر نیز این قریحه جنگی

۱- گزنون کوروشنامه ۸:۸ و آفاسیس ۲۸:۷، ۳۰:۸

۲- هرودوت ۲۰:۹ و آریان ۱۰:۱

۳- رالینسن ۱۸۳:۳

۴- Arrian, *Exp. Alex.* 3:15

۵- گزنون آفاسیس ۱۰:۳

۶- Virgil, *Georg.* 3:31; Hor. *Ode.* 1:19, 11 & 2:13, 16.

۷- O. Curtius, *Hist. Alex.* 4:13.

ایرانیها بشوت رسیده است. ۱. بیگمان ایرانیها دائم در جستجوی نیرنگهای تازه و مهمات نوین جنگی بوده اند و هر گاه دائم اینگونه بیدار و هوشیار نبودند ملل متعدد و قدیمتر از خود را نمیتوانستند برای زمان بآن دازی در زیر سلطه خویش نگاهدارند.<sup>۲</sup> قرائن و مدار کی که در دست است ثابت مینماید که ایرانیها ۸- دریا نوردی از قدیم الایام با دریا نوردی آشنا بوده اند<sup>۳</sup> و برخلاف بعضی از اظهارات بی اساس برخی از نویسندگان<sup>۴</sup> ایرانیها از دریاها بی می نداشته اند. از نوشته های هرودوت بر می آید که در جنگ دریائی سالامین پارسی ها بهتر از مصریها و فنیقی ها جنگیده اند<sup>۵</sup> پیش از آن تاریخ نیز میدانیم که داریوش بزرگ دو هیئت اکتشافی بدریاها فرستاد. یک هیئت را از هند بدریای سرخ و از راه رود نیل بدریای مغرب و هیئت دیگر را از سواحل بحر الجزایر یونان و ایتالیا<sup>۶</sup> خشایارشا نیز هیئت

- ۱- کوروش بزرگ در جنگ بالبدیه شترهای بد بو و نا آشنا را بصد چابک سواران لیدی موفقانه بکار برد ، و اسبان دشمن رسیده بشکست آن منتهی شد . هرودوت نیز بمواردی چند راجع به نیرنگها اشاره نموده است : هرودوت ۱: ۱۹۱، ۲۱۱، ۳: ۱۵۶، ۴: ۱۳۵.
- ۲- شرح مفصل دستگاہ ارتشی ایران هخامنشی مربوط بتاریخ نظامی ایران و بیرون از ناحیه این کتاب است و خوانندگان را شرح مفصل رالینسن در جلد سوم «سلطنت های باستانی» باب سوم ص ۱۶۴-۲۴۷ و تاریخ ایران باستان بر سر جلد دوم مراجعه بدهیم .
- ۳- کتاب حزقیال نبی . این فقره معاموم میباشد که جنگدان پارسی در کشتی های فنیقی ، قبل از دوره اول پارسی، دریا نوردی میکردند .
- ۴- دستوردها در کتاب «تمدن زردشتی» *Zoroastrian Civilization* چاپ نیویورک، صفحه ۲۴۸ و رالینسن : «سلطنت های باستانی» ۳ : ۱۹۴ .
- ۵- هرودوت ۷ : ۳۶ .

۶- از جماعه کاهنهای سیاسی داریوش بزرگ این بود که همچنانکه سیادت زمینی جهان را ایران بچنگ آورده بود بدریاها نیز خداوندی نامد . برای مردمی روستائی مانند پارس ها ، که دور از دریاها نبود و نما کرده بودند و سواحل خشک حد فاصل میان آنها و دریاها بود در آغاز امور آسان نمی نمود که بدریاها مسلط شوند . داریوس دریاوردان مال تابعه ایران را بخدمت پذیرفت . بکنفر دریا نورد نامی آن زمان نام اسکالاکس Scylax که بومی سواحل مدیترانه و تبعه ایران بود (بقیه در ذیل صفحه ۲۴۵)



## نیروی دریائی در زمان هخامنشی

اکتشافی بسر کردگی یکنفر پارسی، سداب نام، بمنظور مسافرت به گرد آفریقا مأمور گردانید و او از جبل الطارق گذر نمود. وجود واژها و اصطلاحات دریانوردی که در زمان خلفا از زبان پارسی بزبان عربی در آورده شده نیز مؤید همین نظر است ۱.

ایران هخامنشی همینکه وارث کشورهای دریائی آسیای

۹ - سوی دریائی  
در زمان هخامنشی  
صغیر و مصر گردید وارث نیروی دریائی آن کشورها نیز شد و همان مقتضیاتی که نیروی دریائی را برای آن کشورها

ایجاب نموده بود برای امپراطوری پهناور ایران نیز خود بخود موجود شد و دولت ایران مشغول پاسبانی و توسعه خطوط تجارتنی دریائی بین ملک گردید ۲. اگرچه دریا شناسان مصری و یونانی که اتباع دولت شاهنشاهی بودند بخدمات

بقعه از ذیل صفحه ۲۴۴

از جانب داریوش مأمور گردید که سر اکتشافی در سراسر رود همد در کنار ساحل آسیا بسوی مغرب سوئز دریانوردی کند و این مسئله در حدود ۵۰۰ پیش از میلاد بود.

بوجه داریوش بزرگ «دائر ساحتی سوئز بر همت بلند او را در زمینه دریانوردی و توسعه تجارت و مراوده بین ملل ناپید داشت. ترعه سوئز در زمانهای پیشین از طرف مصریها گشوده شده بود ولی سرور زمان بر شده و متروک گردیده بود. داریوش بزرگ به گشودن و نیکار انداختن ترعه سوئز که کشور مصر را بندر پای سرخ می پیوست همت گماشت. قطعات کتیبه های سنگی که در آرمین بزرگ در حوالی ترعه سوئز افراشته شده و سرور زمان در آب فرو افتاده بود رفته رفته در زمانهای اخیر کشف گردیده و شرح احوالی ترعه بزبان داریوش در یکی از آن الواح چنین است: «من (داریوش) کندن این ترعه را از رودی که در مصر جاری است و نل نام دارد تا دریائی (دریای سرخ) که با ایران پیوسته است امر دادم و کشتیها بر حسب اراده من از مصر ساحل ایران آمد» از این معلوم میشود که داریوش در صدد بوده ایران را در تجارت با رومی که میان هند و مدیترانه راه افتاده بود سهیم گرداند و برای اولین بار در تاریخ ایران بزرگترین کشور دریائی آسیا گردیده. رجوع شود به

۱- پیریا، حسن «تاریخ ایران باستان» ج ۲ ص ۱۴۸۶، سطر ۱۹.

۲- دولت شاهنشاهی هخامنشی بین سنین ۵۲۵ تا ۳۳۰ ق. م. سلطه کامل بدریا و محیط مدیترانه داشت.

دریائی نیز داخل میشدند ولی خاصه فنیقیها که هرچه از آشور یهابدی و زیان بایشان رسیده بود از ایرانیها نیکی و نگاهبانی دیدند و دیگر آنکه چون با یونانیان رقابت داشتند و دولت ایران را پشتیبان و تکیه گاه خود ساخته بودند صمیمیتی خاص بایران نشان میدادند. چون



پنشنتر یارزم ناو پنج ردیفی ایران،  
بزرگ شده از سکه هخامنشی (لارد)

در زمان خود فنیقی ها در امور دریا پیمائی و کشتی سازی سر آمد مردم همزه آن خود بودند برای همین منظور، وارد توجه دولت ایران واقع شدند و بامر شاهان ایران در کارخانجات فنیقی کشتیهای بسیار ساخته میشد<sup>۱</sup>

بنابر گفته های هرودوت کشتی های ایران به نسبت کشتیهای

۱۰ - ناوهای ایران

یونانی بزرگتر و تندرو تر بود و ظاهراً سه نوع کشتی

داشته اند. نخست کشتیهایی که یونانیها تری رم مینامیدند<sup>۲</sup> و سه صف پاروزن

داشت و صف ها در سه طبقه جای میگزییدند که جایش این کشتی ها ظاهراً ۲۳۰

نفر بوده که دوست نفر کارگر کشتی و سی نفر مرد جنگی بوده اند، اینها رزم

ناو بوده است و هنگام تصادم در مقدم کشتی نولک تیز بے بوده که بکشتی دشمن میخورده

و زیان میرسانده است

۱ - مثل تابه که در نیروی دریائی ایران خدمت میکردند بنابر گفته هرودوت فنیقیها

، مصریها، قرمسیها، سانسها، اهالی سوریه، یفیلدها، لسیها، کاریها، یونان آسیای صغیر و

جزایر بودند هرودوت ۶ : ۴۴ تا آخر.

۲ - *Trireme* در امتداد ساطة امپراطوری هخامنشی بهترین رزم ناو محسوب میشد و

در اصل اختراع قرنطمان در آسیای صغیر بوده است (Thucyd I:3.) در حدود ۴۰۰

ش از میلاد مردم کرتاژ رزم ناو دیگری که بر صفوف پاروزن افزوده بود *Quadrireme*

و حتی *Quinquerieme* از طرف دیویسیس اختراع شد و تری رم بتاثر و اهمیت خود باقی

ماند و نیروی دریائی ایران تا آخر ار همان نوع ناو بود. هرودوت ۴ : ۹۵ و ۷ : ۸۹، ۹۷

و آریان ۲ : ۲.

نوع دوم کشتیهائی بوده که برای حمل و نقل اسب و سپاهیان بکار میرفته و این کشتیها دراز بوده است.<sup>۱</sup> نوع سوم کشتیهایی کوچکتر که بمنظور حمل و نقل بار و آذوقه بوده است.

بنا بر گفته هرودوت دریا داران و افسران بزرگ دریائی  
۱۱- ملوان و دریاداران  
همیشه پارسی از يك قبیله دیگر ایرانی بوده است.<sup>۲</sup> راجع  
بتریت جوانان ایرانی در امور دریا پیمائی اطلاعی در دست نیست ولی هورنست  
که معلمین فنیقی جوانان را در امور دریائی برای مواقع جنگ و صلح تعلیم  
میداده اند.<sup>۳</sup>

---

۱ - هرودوت ۶ : ۴۸ .

۲ - هرودوت ۷ : ۱۸۴ .

۳ - اطمینان دائم ایرانیان به فنیقیها این نظر را تأیید میکند.

## بنک دهم تربیت کشتکاری

شغل کشتکاری در آئین زردشتی شریفترین شغلها بشمار  
میرفت ۱ و قسمت اعظم ایرانیان در تمام دوره‌های تاریخی  
باین شغل میپرداخته‌اند. کشتکاری و زراعت شغل عمده  
ایرانیهای اولی بود و آنرا وظیفه مذهبی میدانستند که خدا بآنها سپرده بود ۲.  
در اینصورت در دیده تمام قبایل ایرانی کشتکاری و پرورش زمین با پارسائی  
توأم بود. فرشته ارمیتی که فرشته پاسبان زمینش میدانستند ۳ در نظر آنها  
دائم از يك جای زمین بجای دیگر میرفت تا جایهای خشك یا باطلاقها را  
باعستانهای سبز و خرم مبدل سازد ۴. فرشته ارمیتی پیک رحمت و دستیار کشتکار  
است ۵. و دل چوپانان را هم بسوی کشتکاری منوجه میسازد ۶. و زمین را پر بار  
میکند. باینطریق هر زردشتی موظف است که او را دستگاه زندگی را بوسیله  
کشتکاری پیشرفت دهد ۷.

از این بیانات معلوم میشود که شغل زراعت در دیده قبایل  
ایرانی مقدس ترین کارها بوده و از آغاز کودکی به  
شریفترین شعاعها

۱ - رالمس ج ۲: ۳۲۷، ۳۳۷، ۳۳۸.

۲ - یسنا ۲۹: ۳۱.

۳ - یسنا ۳۱: ۹. ایسارحوعشوده: Haug *Essays*, p. 144, note.

۴ - یسنا ۳۵: ۴.

۵ - یسنا ۳۱: ۱۰.

۶ - یسنا ۴: ۳۵.

۷ - یسنا ۳۳: ۳.



می چند از کشتکاران که هدایای خود را به اسگاه سه ششاه آورده اند .  
از نفوس رحمتت بح حسنه . (عکاسی ناس)

خوشی در امور کشتکاری و آورد کردن زمین و چگونگی آن آموخته می شدند .

کشتکاری ۱ - مصم آورد کردن زمین - آبیاری - سخم ، تخم  
۲ - دامه کشتکاری  
افشای درختکاری ، کاه داری ، و انداختن حشرات و حیوانات

۱ - کرده ای از واژه ها و اصطلاحات کشتکاری که در زبان اوستایی و پارسی قدیم معمول بوده ،  
فراهم آورده از ایران امه ناس ن محمدعلی سه سیری (۱۹۲۵) در اینجا ذکر میشود .

کارح	karah	اردادن درخت
بوا	vava	حوی
سدهوس	sudhus	طبق برای اد دادن عله
ستر	pestaia	آساب (از پیستن ریشه پس است)
گندا	go da	آرد
بوشش	tustis	سته یا بیل
بوه	yavahe	عله
ون	vana	ون یا بن معنی درخت جنگل

تعلیم و تربیت ایران باستان

و گیاههای زیان‌آور و پرورش مواشی بوده است و اینها در زمرة کارهایی بوده که اهورامزدا دوست میداشته است، زیرا آنانکه در این امور اقدام کنند اهورامزدا را در جنگ با اهریمن و تمام مظاهر اهریمنی کمک نموده‌اند.

قبه از ذیل صفحه قبل

نخم	taxma	نخمه
باشید، مصدر آن هنج معنی باشیدن	hencad	هینجد
ورگ یا برگ	varga	ورگا
سبزه	orvara	ارور
خیار	basi	شی
می، پوشابه	madhu	مدهو
کلاه یا رمه	vagva	واتوا
هر	orodh	ارود
حو	vaidhi	وئیدی
چاه	caiticat	جائتی چاب
تالاب	avakana	اوکنا
حوی یا نهر	yuviya	یووی به
قرب یا سوراخ	geredha	گردها
راه؛ نهر	peretas	پروش
یل	peresu, peresa	پرو
آب مسموم	vespae	وش‌په
رف	vafra	وفا
حاری	laca	لچا
بارش	vāra	وار
حشک	hosku	هشکو
برگشت رمه از چوا ناه	ayagra	اینرا
یوغ	yok	یک
کشت	f-suyat	فشویت
زمین شیار شده	karsti	کرشتی

توحه شاهان و امراء کشتکاری

۳- توحه شاهان  
و امراء کشتکاری

نویسندگان یونانی مانند هرودوت و گزنفون در شگفت بودند  
از اینکه شاهان ایران بسیار به آباد کردن و کشتکاری و  
درختکاری علاقمند بوده‌اند و چون باسلیقه مذهبی و مدنی  
ایرانیها و تربیت خاص آنها در علاقمندی بزمین بیگانه بوده‌اند برای علاقه شاهان

قدح از ذیل صفحه قبل

رمن حاك بر گردان و پراکنده شده	parakanti	پر گشتی
رمن حاصلخیز	zani-karsyam	برم کرشمیم
رمن که برای تخم کاری با گاوشخم کنند	govastiavareza	گووستر اورزا
مرر و حاشیه و کنار	merizu	مررو
رمن شمار شده	sutasme	شوتسمه
گشاوری	aivivarez	ایوی ورر
خیم یا سنی	yaokarsti	یتو کرشتی
کشتکار	vustri	ووستری
کشتکاری	vavastri nam	ووستری نام
ویسند یا گدهد یا کدخدا	ves-paiti	وش پشمی
کده یا قریه یا خانه دهقانی	kate	کته
گاوشیرده	gao a/i	گتواری
گاو بارکس	gao-vazi	گتوزی
راودار ، رانده	zaitare	راوتر
شمان	vast 10	وستره
خانه گاو	garcu	گرتیا
گاورین	garcu-jan	گتووس
رمن آب داده	liexti	هدنی
رمن	anuniva	انومیا
حرانده	staora	استارا
مرغ	vaya	وی
گاو	gau	گو
گاور	oksan	اکشن

ایران بکشتکاری تصورات دیگر میکردند چنانکه گزنفون پنداشته علت اصلی  
 علاقه شاهان ایران بفلاحت از جهت آبادی و وصول مالیات ها و آبادانی  
 خزانه است. شاهان هخامنشی هم نیروی جنگی و هم باآبادانی اهمیت میدادند  
 و از شرح گزنفون این مطالب و کیفیت تربیت فلاحتی در ایران هخامنشی بخوبی  
 برمیآید گزنفون در کتاب اکونومیک از زبان سقراط گوید: آیا باعث شرمساری ما است  
 که تقلید از شاهان پارس کنیم؟ شاه پارس . گویند. چون یقین حاصل کرد که  
 فن زراعت و لشکرآرایی دوفنی است که از تمام فنون زیباتر است، توجه خود  
 را بهر دو بالسوی معطوف میداردا. الخ. بنابر تصریح این رساله شاهنشاه هخامنشی  
 در بعضی از قسمتهای کشور خود شخصاً مسافرت کرده اوضاع را میدید و اشخاص  
 معتمدی نیز بعضی قسمتهای دیگر میسرساند و اگر معلوم میشد که او را فلاحتی  
 در ایالتی رونق بیشتر دارد مرزبان آن ایالت را پاداش بسزا میداد کرسیهای  
 ممتاز بدو می بخشید و قلمرو مرزبانی او را میکشند ولی اگر میفهمید ولایتی  
 کم جمعیت و بایراست و این دو امر در نتیجه سخت گیری مرزبان و بدرفتاری او  
 با اهالی است ویرا تفسیر داده کس دیگر جای وی میکماشت. معمولاً هر ایالتی  
 باولایتی یک نفر رئیس سپاهی داشت و بک رئیس کارهای فلاحتی و مالیاتی و اگر  
 یکی از این دو در کارهای خود قصور میورزید دیگری اطلاع میداد. ولی هر  
 ایالت و ولایت بر این هر دو کار نظارت مینمود

221-222 Xen. Anabasis. 4:21-22

غیه از دبل صفحه قبل

کاه در	gao-arsan	کشوارشن
کاوداه یا کاوجران	gau-daya	کاودای
گاوستان، خانه گاو	gavo-siana	گاوستاه
آغل حیوانات رندبار	pasus-hasta	سوس هسته
حرا گاه	pasu-vastra	پشو و ستر
گاومان؛ ار گاو	gavan	گوم
خانه گاو	nmanem-gaoyanem	مانم گاویانم



شاه هخامنشی، بدو گروه هدیه و انعام میداد نخست آنهایی که خوب از عهده امور شهر بانی بر میآمدند. دوم آنهایی که برای آبادی و عمران ایالت میکوشیدند.

بعضی از شاهان و یا شاهزادگان هخامنشی خود بکار فلاحت و یا باغبانی اقدام میکردند چنانکه در شرح کوروش جوان باید و به هر جا که شاه میرفت مراقب بود که باغهایی باشد بر از بارهای زیبایی که زمین میدهد. این باغ را پردیس<sup>۱</sup> مینامیدند.

پرداختن شاهان  
و شاهزادگان فلاحت

پولیب گوید که شاهان هخامنشی برای تشویق فلاحت بهر کس که زمین بایری را آباد می کرد آن زمین را تا پنج پست خاص او میکردند<sup>۲</sup>. علاوه بر این خود شاهان سدهائی در بعضی مکانها برای مزروع کردن زمینهای بایر و زراعت پیشه نمودن قبایل سرکش میساختند<sup>۳</sup>.

تشویق فلاحت

این کارهای بی نظیر که قسمتی از افتخارات قومی ما را تشکیل میدهد نه از جهت سیاست بوده و تنها پادشاهان

۴ - عمومیت فلاحت

اختصاص نداشته زیرا بنا بر تفانهای مذهبی ایرانیان هر کس زمینی را آبیاری و تخم افشانی و غرس اشجار کند یا گله داری نماید و باهشال این کارها اقدام کند باهورامزدا همکاری کرده و باهریمن جنگیده است. بنا بر این هر ایرانی خود را موظف میدانست و فرزندان خود میآموخت که در کار کشاورزی سستی ننمایند.

در دوره تاریخ تمدن ملی ایرانیها همیشه دلبستگی خاصی به درختکاری نشان داده اند. مجاری و مخارن آب که در

۵ - علاقه بدرخت کاری

ضمن کاوشها در استخر پیدا شده نشان میدهد که در زمان آبادی در آنجا درختان

۱ - پردیس Paradis در فارسی کنونی فردوس و در اصل اوستائی pairidaeva پشری دتزا یعنی محوطه شکار بوده است.

۲ - رجوع شود به ایران باستان نالیف حسن پرنماج ۲ ص ۱۵۰۲ - ۱۵۰۶

۳ - رجوع شود به شرحه راجع بفتون مهنسی در بند یازدهم و یازدهم همین بخش.